

جنگ سورس نبرد اردشیر اول ساسانی با رومیان چنانچه ذکر شد ادامه ضعف دولت پارتها مصادف شده بود با اوج قدرت امپراطوری روم و به نظر می رسید رومیها نیز علاقه ای به هجوم به شرق ندارند گو اینکه از طرف دیگر خیالشان از پارتیها راحت بود چرا که این اواخر آنها در چند نبرد منطقه ای ایرانیها را شکست داده بودند. اما اتفاقی جدید این توازن را بر هم زد. در ۲۲۶ میلادی، اردشیر پادشاه پارس اردوان را در ۳ جنگ متوالی شکست داد و سلسله اشکانی را از ایران حذف کرد. اردشیر در سال ۲۲۶ سپاهی بزرگ گردآورد و پس از انقیاد کامل نقاط مختلف ایران و توسعه مرزهای شرقی در ۲۲۸ از فرات گذشت تا شکستهای اخیر ایرانیان را تلافی کند و در ضمن رومیها را از آسیای غربی بیرون کند.

قیصر روم در این زمان جوانی به نام سوروس بود که مایل به جنگ با اردشیر نبود چرا که می دانست نبرد با سپاه گردآوری شده ایرانیها، لااقل يك سال زمان می برد و پادگانهای سوریه به تنهایی قادر به مقابله با مردان اردشیر نبودند.

وی ابتدا نامه ای به اردشیر نوشت و از او خواست تا از قدرت عظیم نظامی روم که ضرب شست آن را قبلاً تراژان به ملل شرق نشان داده برحذر باشد اما اردشیر پاسخ امپراطور را با اعزام ۴۰۰ سفیر با پیام های تند برای سوروس داد. قیصر نیز دستور بازداشت این افراد را داده و آماده جنگ شد.

در ۲۳۱ میلادی سوروس نیروی بزرگی را در انطاکیه فراهم آورد ولی بزرگترین اشتباه نظامی خود را مرتکب شد.

سپاه وی گویا متجاوز از ۱۰۰ هزار نیروی جنگی بوده وقادر بود از عهده سپاه

اردشیر برآید اما سوروس به اشتباه سپاه خود را ۳ دسته کرده يك دسته را به شمال برای حمله به آتروپاتن (آذربایجان) و ماد فرستاد و يك بخش را نیز مأمور فتح جنوب ایران کرد و خود به قلب ایران و پارس حمله کرد.

اردشیر از این اشتباه نهایت استفاده را کرده و به نیروهای شمالی دستور داد که با جنگ و گریز سپاه روم را خسته کنند و خود با حمله به سپاه جنوبی رومی که در حوالی شوش بود آنها را کاملاً از بین برد. تضعیف سپاه شمالی و نابودی سپاه جنوبی، سوروس را در مواجهه با شاه ایران تنها گذاشت و در نتیجه وی وحشت زده به داخل سوریه عقب نشست. اگرچه اردشیر در این مرحله قادر به نابود کردن ساخلوی رومی در سوریه و انطاکیه و خارج کردن کامل رومیها از آسیای غربی بود اما ترجیح داد به خلع ید روم از بین

المنهرین و ارمنستان قناعت کند و خود را درگیر نبرد بزرگتر نکند. بنابراین دژ نصیبین و حران را در تصرف نگاه داشت و با قیصر صلح کرد.

نتیجه نبرد

این پیروزی پس از ۲۵۰ سال مجدداً رخ داد. (اگرچه ایران در نبردهای فرعی موفق به شکست رومیها شده بود) و چنانکه گذشت زمان نیز ثابت کرد مواضع رومیها را در بین المنهرین ضعیف کرد و این امپراطوری را در اوج قدرت مجبور به پذیرش يك امپراطوری قدرتمند دیگر در مرزهای شرقی خود کرد. این جنگ همچنین سبب مطرح شدن دولت ساسانی در سطح جهان شد.